

ویژگی ها و وظایف کارگزاران در نهج البلاغه

منبع: پژوهش نامه علوی - پاییز و زمستان 1389 - شماره 2

نویسنده: پورطهماسبی، سیاوش - تاجور، آذر

مشخصات نویسنده: دانشجوی دکتری تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات - کارشناس ارشد مدیر
یت آموزشی واحد بيله سوار

چکیده

در این تحقیق نشان داده شده است که حضرت علی (ع) پس از انتخاب کارگزاران خود، مستقیم و بلا واسطه بر آنها نظارت می کردند و آنان را از هرگونه کوتاهی در انجام وظایف محوله برحذر می داشتند. به نظر آن حضرت، بی توجهی در امور سبب می شود که حکومت ها پس از مدتی به وسطه فسادهای مالی، اداری، اخلاقی، . . . در سراسری انحطاط و سقوط بیفتند. در نگاه ایشان، اهمیت کارگزاران حکومتی چنان است که هر جامعه ای برای آنکه بتواند روی سعادت ببیند و امور آن اصلاح شود، باید از کارگزاران لایق و متعهد بهره گیرد. در اهمیت نقش کارگزاران در ثبات یک نظام همین بس که ضعف کارگزاران آن نظام سیاسی حتی در مواردی که مشروعیت اولیه داشته است-همانند کشورهای که با رأی مردم بر سرکار آمده اند-موجب زوال آن مشروعیت شده است؛ برعکس، گاه یک نظام فاقد مشروعیت اولیه-همانند کشورهای که با کودتا روی کار آمده اند-توانسته است به دلیل توانمندی کارگزاران و مدیران به مرور زمان مقبولیت و مشروعیت مردمی کسب کند. بنابراین، دوام و قوام حکومت ها قبل از هرچیز به نقش کارگزاران حکومتی بستگی دارد.

کلیدواژه ها

امام علی (ع)، کارگزاران، مدیریت، نهج البلاغه، حکومت علوی.

مقدمه

یکی از عوامل مهم و اساسی در ثبات و کارایی نظام های سیاسی، مسئله صلاحیت و کارآمدی کارگزاران و مدیران است. بررسی سیستم های اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف جهان به خوبی نشان می دهد که نقش مدیران و کارگزاران صالح در پیشبرد اهداف حکومت ها تا چه حد منشأ اثر بوده است. نکته حائز اهمیت در این زمینه آن است که هر نظام حکومتی بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر نخواهد توانست در نیل به اهداف، از خود کارآمدی نشان دهد و در این راستا تفاوتی میان حکومت دینی و غیردینی یا لائیک وجود ندارد. یکی از الگوهای بسیار مناسب در جهت اثبات این مدعا، سیره مولا امیر المؤمنین علی (ع) در دوران زمامداری است که هم از باب سنت و هم از جهت مدیریت معقول می توان در آن دقیق شد و از آن بهره گرفت. آن حضرت (ع) در سیره سیاسی خود به خوبی نشان داده اند که یکی از عوامل فروپاشی نظام های سیاسی، ناکارآمدی آن و زوال عدل است که عمدتاً به دلیل مدیریت ناصالح و ناسالم رخ می دهد.

هر جامعه برای ادامه و اداره زندگی اجتماعی خویش، ناگزیر به تشکیل حکومت است؛ و در این مسیر باید به مواردی توجه شود:

- 1- برای اداره بهتر جامعه، باید تقسیم کار صورت گیرد و افرادی برای تصدی مسئولیت ها تعیین شوند.
- 2- همه کارگزاران در کنار هم، مجموعه ای تشکیل می دهند که در جهت اداره بهتر جامعه و رسیدن به هدف از تشکیل حکومت، گام برمی دارند. (حسینی اصفهانی، 1384: 16)
- 3- هریک از اعضا و کارگزاران باید صلاحیت لازم برای اداره جامعه را داشته باشد.
- 4- اگر یکی از اعضا فاقد صلاحیت و ویژگی لازم باشد، چرخه اداره جامعه با مشکل مواجه خواهد شد.
- 5- بنابراین، حاکمان و کارگزاران ذی صلاح باید تحت نظارت مستمر باشند تا صلاحیت آنان همواره بازبینی شود و با آسیب شناسی رفتار آنان، با متخلفان برخورد مناسب صورت پذیرد. (حسینی اصفهانی، 1384: 15)

اما در میان همه حکومت‌ها تاکنون هیچ حکومتی به مانند حکومت امیر المؤمنین علی (ع) در امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده است. این واقعیت را می‌توان از نامه‌ها و خطبه‌های گوناگون حضرت به کارگزاران و والیان حکومتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و دینی جست و جو کرد؛ فرمان‌ها و دستوراتی که از جامعیت فوق‌العاده و بی‌نظیری برخوردار بود. (حسینی اصفهانی، 1384: 87)

در تمامی نامه‌ها و عهدنامه‌های آن حضرت (ع) به کارگزاران، مسئله رعایت تقوا و ترس از خدا و توجه به آخرت ملاحظه می‌شود. دقت ایشان در رعایت حال مردم و حفظ شخصیت آنها و پرهیز از زورگویی و تهدیدشان به این سبک در سایر رهبران دیده نمی‌شود. فرمان‌هایی که رهبران غیر الهی در عزل و نصب کارگزاران خود صادر می‌کردند، از آنجا که فاقد بینش کلی در ابعاد وجود انسان بود، عموماً به حکومت و جامعه لطمه وارد می‌کرد.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که در اندیشه سیاسی حضرت علی (ع)، اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسئله ویژگی‌های کارگزاران حکومتی داده شده، به طوری که هلاکت و هدایت جامعه به آن ربط داده شده است. از طرف دیگر، از دیدگاه حضرت امیر (ع)، احراز قدرت سیاسی وسیله‌ای جهت خدمت به خلق و رفع مشکلات و توسعه معیشت و اقامه عدل و آبادانی آخرت است؛ لذا حضرت در نامه‌ای به استاندار خود در آذربایجان فرمودند: ان عملک لیس بطعمه و لکنه فی عنقک امانة (نهج البلاغه: نامه 5). امارت و زمامداری یک طعمه و لقمه چربی در دست تو نیست که بتوانی آن را بیلعی بلکه آن یک امانت است که بر گردن تو آویخته شده است و تو نسبت به آن مسئول و پاسخگو خواهی بود.

بنابراین در نگاه علی (ع)، مسئولیت امانتی است جهت خدمت به خلق و برای رضای خالق. به همین جهت ایشان پاسخگویی به داور اعظم و مالک روز جزا و پاسخگویی به مردم را کراراً به کارگزاران خود متذکر شده‌اند و آنان را از عواقب امور بیم و هشدار داده‌اند. (سرمد، 1386: 211)

در تاریخ، نمونه‌های زیادی از حکومت‌ها وجود دارد که بی‌دینی را در جامعه ترویج می‌کردند و مدت‌های طولانی به حکومت خود ادامه می‌دادند؛ اما حکومت‌های جائز که تنها به زور قدرت ظالمانه خود تکیه می‌زدند، تنها توانسته‌اند زمان کوتاهی بر مردم حکمرانی کنند و سرانجام به واگذاری قدرت و از دست دادن حکومت مجبور شده‌اند. از طرف دیگر، تنها با رعایت عدل است که حکومت صاحب اموال فراوان و سرزمین‌های آباد می‌شود و جامعه رو به صلاح و رستگاری حرکت می‌کند. (ابن طباطبای، 1360: 19)

نکته حائز اهمیت در این زمینه آن است که داشتن صلاحیت‌های تخصصی، تجربی، خانوادگی و تربیتی و دینی، شرط لازم برای یک کارگزار حکومتی محسوب می‌شود، اما این شروط به هیچ وجه کافی نیست. اگرچه برای داشتن یک حکومت پایدار و موفق، عملکرد مطلوب کارگزاران در طول دوران صدارت و قدرت آنان الزامی است، نظارت مستمر بر کارگزاران و والیان از سوی حاکم اسلامی در این راستا کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. کراراً اتفاق افتاد هست که حکومت‌ها با برگزیدن کارگزاران توانمند و صالح در رأس امور، پس از مدتی رو به فساد و انحطاط رفتند و نتوانستند ثبات و کارایی از خود نشان دهند. علت چنین امری، عدم نظارت بر عملکرد کارگزاران از سوی حکم مافوق است. (پیروز و دیگران، 1385: 244-245)

ویژگی‌های مثبت کارگزاران

1- خدامحوری

کسی که در وادی اداره جامعه و مسائل سیاسی قدم می‌گذارد و می‌خواهد به مردم خدمت کند، باید در هر شرایطی خداباور و خدامحور باشد؛ چه، قدرت و ریاست به طور طبیعی غرورآفرین است و از این رو، سیاستمداران بیش از دیگران در معرض لغزش و سقوط قرار دارند. یاد خدا و توجه به او، نیرویی است که همواره انسان را در لغزشگاه‌ها و خطرهای حفظ می‌کند. حضرت علی (ع) بدین دلیل، در دستور العمل خود به مالک اشتر فرمان می‌دهند: «خداوند سبحان را با قلب و دست و زبان یاری نما؛ زیرا خدای بزرگ، یاری و عزت کسی را که یاری اش کند و عزیزش بدارد، تضمین کرده است.» (نهج البلاغه: نامه 53) خدامحوری، آثار متعددی همچون اخلاص در عمل، دوری از گناه و قرب الی الله دارد؛ و هدف عالی در تربیت اسلامی، رسیدن به مقام قرب الهی است. علاوه بر این، اگر مدیران و سیاستگذاران جامعه براساس خداباوری و حق‌مداری حرکت کنند و در راه خدا قدم بردارند، خداوند محبت آنها را در دل مردم جای می‌دهد. (وائقی، 1380: 56-58)

2- حق‌مداری

حضرت علی (ع) در زمینه حق‌مداری، به مالک اشتر برای انتخاب همکاران نزدیکش دستور می‌دهند: «افراد حق‌گو را به خود

نزدیک کن! از میان خواص خود، کسی را به خود نزدیک تر کن که در حق گویی-گرچه گفتار حق تلخ است-صراحت لهجه داشته باشد. « (نهج البلاغه: نامه 53) همچنین درباره حق والی و رعیت می فرماید: هرگاه رعیت حق والی و والی حق رعیت را ادا کند، حق در بین آنها عزیز و قواعد دین استوار و روزگار اصلاح می شود. (نهج البلاغه: نامه 53) بنابراین، یکی از صفات برانزده زمامدار، حق گویی و حق مداری ست که طبق کلام رسول خدا (ص)، «حق را باید گفت، هرچند در ذائقه بعضی تلخ آید». (کلینی، 1388 ق، 1/حکمت 8)

3- عدالت خواهی

سراسر زندگی حضرت علی (ع) نشان دهنده اعتدال و اجرای عدالت در جامعه است. ظلم ستیزی ایشان و مبارزه با ستم و بیدادگری، چه در دوران حکومت و چه پیش از آن، از ویژگی های زندگی آن حضرت (ع) است؛ چنان که دوست و دشمن بدان معترفند. حضرت علی (ع) در دستور العمل های سیاسی خود به فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف و عدالت در بین مردم تأکید می کردند؛ همان گونه که فرازهایی از عهدنامه مالک اشتر به این موضوع اختصاص یافته است: مالکا، انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک سو و خود و نزدیکت و هرکه هوای او را در سرداری از سوی دیگر، مراعات کن. (نهج البلاغه: نامه 53)

4- امانت داری

هرکس در هر پست و مقامی که باشد، امانت دار مردم است و باید در حفظ امانت بکوشد؛ زیرا اموال، ناموس، حیثیت، شرف و بسیاری از مسائل حیاتی مردم نزد کارگزار دولت قرار داده شده و او مسئول نگه داری آنها است، حتی مقام و منصبی که به او واگذار شده، امانت است و از این روی، باید در ادای وظیفه اش تلاش کند. حضرت علی (ع) گذشته از اینکه خود نمونه کامل امانت داری در زمینه های گوناگون بودند، دیگران را نیز به رعایت امانت سفارش می کردند و می فرمودند: امانت را ادا کنید، هرچند صاحبش قاتلان فرزندان انبیا باشد. (محمدی ری شهری، 1375: ج 1/214، ماده «الامانة») امیر المؤمنین (ع) در این باره فرمودند: برترین ایمان امانت داری ست. (نهج البلاغه: نامه 53) و هرکه امانتدار نیست، ایمان ندارد. (نهج البلاغه: نامه 26)

بنابراین، در تربیت سیاسی کارگزاران باید خصیصه امانت داری را در آنها ایجاد و تقویت کرد. آنچه امروزه موجب بروز مشکلات گوناگون در جوامع اسلامی شده، این است که رهبران و کارگزاران حکومتی افرادی صالح و امانتدار نیستند.

5- فقرزدایی

امام علی (ع)، هم خود یار و مددکار فقرا و محرومان بودند و هم افرادی را با این ویژگی پرورش دادند؛ چنان که خطاب به مالک می فرماید: ای مالک، در باره پایین مردم که چاره ای ندارند و در فقر و تنگدستی زندگی می کنند، خدا را فراموش نکن! آنان عبارتند از: بینوایان، نیازمندان، گرفتاران و زمینگیرشدگان. آنچه را که خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده، رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت المال و سهمی از غنایم خالص اسلامی هر شهر را در نظر بگیر! (نهج البلاغه: نامه 53) از این توصیه های علی (ع) به مالک درباره فقرزدایی از جامعه برمی آید که حمایت از فقرا و نیازمندان به عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است و برای تحقق آن باید تلاش کرد؛ زیرا فقر و کمبود اقتصادی، عامل بروز بسیاری از مشکلات، از جمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است. (ناظم بکایی، 1382: 21)

ویژگی های منفی کارگزاران

برخی ویژگی های منفی که ممکن است دامنگیر کارگزاران سیاسی شود و در نتیجه آنها نتوانند وظایف خود را به شایستگی انجام دهند، عبارتند از: غرور و خودبینی، هواپرستی، انصارتلبی و پیمان شکنی.

1- غرور و خودبینی

تکبر و خودپسندی، بزرگ ترین آفت سیاسی است. چه بسا دیده شده است زمامدارانی که پس از استقرار در مسند قدرت، همه ارزش ها را زیر پا گذاشته و به تعهدات خود در برابر مردم عمل نکرده اند. از اینجا است که حضرت علی (ع) همواره کارگزاران نظام اسلامی را به دوری از تکبر و خودبینی توصیه می کنند. آن حضرت (ع) به مالک می فرماید: بپرهیز از خودپسندی و تکیه به چیزی که تو را به خودخواهی وادارد و بپرهیز از اینکه دوست بداری مردم تو را بستانند؛ زیرا حالت غرور و خودبینی مناسب ترین فرصت برای شیطان است تا نیکی نیکوکاران را از بین ببرد. (نهج البلاغه: نامه 53) آن حضرت (ع) همچنین درباره عجب و خودخواهی فرمودند: هرکه به آزا و نظرهای خود به چشم خودپسندی نگاه کند، دشمنان بر او مسلط خواهند شد. (کلینی، 1388 ق: 1/حکمت 8)

2- هواپرستی

در اندیشه سیاسی حضرت علی (ع)، هواپرستی و پیروی از خواسته های نفسانی، مانع اصلی تحقق عدالت است. از این رو، آن حضرت (ع) همیشه دوری گزیدن از هوای نفس را به فرمانروایان توصیه می کردند، چرا که هرگاه زمامدار براساس خواسته خد عمل کند و هرچه را میل دارد، انجام دهد، از اجرای عدالت و دادگری بازمی ماند. (نهج البلاغه: نامه 59) علی (ع) در جایی دیگر می فرماید: دین اسیر دست اشرار و بدکرداری است که آن را وسیله رسیدن به هوای نفس و دنیای خود قرار داده اند. (نهج البلاغه: نامه 53)

3- انحصارطلبی

در کلام امیر المؤمنین علی (ع)، از این خصوصیت به «استغثار» تعبیر شده است و آن حضرت (ع) فرمانروایان را به شدت از آن برحذر داشته اند، چنان که به مالک می فرماید: از امتیازخواهی بپرهیز و از اینکه چیزی را که همه مردم در برابر آن یکسانند به خود اختصاص دهی، دوری کن! هرچند زمامدار نزدیکان و خویشاوندانی دارد که توقع برتری، امتیازگیری و دخالت در قراردادهای بدون رعایت انصاف را دارند، ولی تو تدبیری بیندیش که با از بین بردن عوامل آنها، ریشه انتظارانشان را برکنی و به هیچ یک از اطرافیان و وابستگان چیزی از زمین و امثال آن وامگذار و مبادا در تو طمع کنند، درحالی که این کار مایه ضرر سایر مردم می شود. (کلینی، 1388 ق، 1/ حکمت 8)

4- پیمان شکنی

پای بندی زمامداران به وعده هایی که به مردم می دهند و احیانا برای تحقق آن سوگند یاد می کنند، سبب نفوذ آنان در دل ها، اطمینان و استواری نظام می گردد. امیر مؤمنان علی (ع) در این زمینه به مالک دستور می دهند: از اینکه به مردم وعده دهی و به انجام کاری متعهد شوی و سپس تخلف کنی، بپرهیز؛ چون خلف وعده و پیمان شکنی موجب خشم خدا و خلق است. (کلینی، 1388 ق: 1/ حکمت 8)

ملاک های گزینش کارگزاران

امام علی (ع) درباره ملاک های کلی گزینش مدیران و کارگزاران حکومت، صفاتی را بر می شمارد که شایسته است در نظام اسلا می ما به طور دقیق و سنجیده به کار گرفته شوند. اهم این اوصاف و معیارها به قرار ذیل است:

1- ایمان و تقوا

در گزینش افراد برحسب نوع مسئولیت، باید تقوا و ایمان آنان ملاک قرار گیرد؛ زیرا ایمان به خدا و تسلیم در برابر اوامر او، آنچنان تعهد و الزامی در انسان ایجاد می کند که از این عمل خلاف احتراز می کند و مسئولیت در مقابل خدا، در نزد او، بر هرگونه قانون و مقام مافوق رجحان دارد، و او تنها خدا را حاضر و ناظر اعمال خود می بیند. (موسوی زاده، 1382: 89) امام علی (ع)، شیوه برخورد و اصول مدیریت را در نامه خود به مالک اشتر، از تقوا و خداگرایی آغاز می کند و او را به ترس از خدا فرمان می دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و از آنچه در کتاب خدا درباره واجبات و سنت ها آمده است، پیروی کند؛ دستوراتی که جز با پیروی آنها رستگار نخواهد شد، و جز با نشناختن و ضایع کردن آنها جنایتکار نخواهد شد. (نهج البلاغه: نامه 53)

2- صلاحیت اخلاقی

برحسب نوع مسئولیتی که به افراد سپرده می شود، به صفت اخلاقی مربوط به آن نیز باید توجه شود؛ برای مثال، اگر به کسی مسئولیتی داده می شود که بیشتر با مردم سروکار دارد، باید حسن خلق و مردم داری او بر سایر صفات وی بچربد، و اگر عهده دار بیت المال است، باید در صداقت و امانت داری مشهور باشد. پس جایگاه مسئولیت اشخاص را صرف نظر از سایر شروط، اخلاق آنان تعیین می کند. اینها نکات ظریفی هستند که در هسته گزینش باید به آنها توجه شود تا بر حرکت و فعل و انفعالات یک نظام، هماهنگی کامل حکمفرما شود. (واتقی، 1380: 54-55) امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، می فرماید: کارگزاران دولتی را از میان مردمی انتخاب کن که اخلاق آنان گرامی تر، و آبرویشان محفوظتر، و طمع ورزی شان کمتر است. (نهج البلاغه: نامه 53)

3- جهادگری

نیروی مطلوب، نیروی جهادی است. «جهاد» واژه ای مقدس، مهم و تأثیرگذار است که از «جهد» یا «جهد» گرفته شده و به معنی «کوشش پیگیر» است. چند نکته در واژه «جهاد» وجود دارد:

الف) تلاش مستمر: جهاد یعنی تلاش شبانه روزی. جهادگر واقعی، ایستا نیست، بلکه چون دلسوز است، پویا و متحرک است؛ همیشه برنامه دارد، و در پی تحقق اهدافی است.

ب) اخلاص: جهاد البته مقید و مشروط است: «فی سبیل الله» یعنی برای خدا است و جانب قدرت شخصی را نمی گیرد. «من»

نباید محور باشد، بلکه اسلام محور و پیروز نهایی است.

ج) فداکاری: یعنی نیروی جهادی حاضر است مجروح، مفقود، و شهید شود، حتی حیثیتش بر باد رود، امام اسلام سربلند شود. در فرهنگ و سنت ما، به چنین فردی «مجاهد» اطلاق می شود.

4- اصالت خانوادگی

اگر صفات اخلاقی و پسندیده در نفس انسان ملکه نشود، هرگز مصدر افعال خوب واقع نمی شود. چنانچه افراد گزینش شده از خاندان شریف و بافضیلت باشند، می توان تصور کرد که صفات اخلاقی در آنها از سنین کودکی شکل گرفته است و بادوام و ریشه دار در فرد وجود دارد. علاوه بر آن، صفات خوب و بد از طریق ارث به فرزند منتقل می شوند؛ و اخلاق خوب و پسندیده یازشت و نکوهیده، معرف پاکی وراثت یا بدی آن هستند.

5- حسن شهرت

اعتبار یک حکومت با حضور چهره هایی که امین مردم هستند، بالا می رود و بهترین پشتوانه و دلگرمی برای یک مسئول، اعتماد مردم به او است. بنابراین، افرادی که اهل تجربه هستند و در کشاکش کارها ساخته و پرداخته شده اند و حسن سابقه آنها در اسلا م پیش از دیگران باشد، مدیر و دوراندیش اند و در کارها و مسائل، عمیق و ژرف نگرند و شایستگی بیشتری در تصدی امور دارند.

6- آزمایش لیاقت ها

افراد باید براساس تعهد و نوع تخصص و توان اجرایی، انتخاب و به کار مورد علاقه گمارده شوند. روابط نباید هیچ گاه جای ضوابط را بگیرد و لیاقت ها و شایستگی ها قربانی دوستی ها و مسائل خویشاوندی شود. ازاین رو است که حضرت علی (ع) به م الک اشتر می فرماید: سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش، به کارشان بگمار، و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای گوناگون وادار نکن، زیرا این نوعی ستمگری و خیانت است. (نهج البلاغه: نامه 53)

7- اصلاح گری

نیروی مطلوب اسلامی، نیرویی مصلح است، به گونه ای که هرجا نقطه ضعف و یا نقصی وجود داشته باشد، در مقابل نقص ها می ایستد، فکر می کند و به دنبال برنامه ای است تا این نقص ها را به نقاط مثبت مبدل کند.

8- تحول گرایی

نیروی انسانی مطلوب باید به گونه ای باشد که اگر مسئولیت اداره جایی به او سپرده شد، براساس آرمان ها و نقاط مطلوب اسلام بتواند در آن محیط کوچک یا بزرگ، تحول مثبت ایجاد کند؛ بدین معنا که آن محیط را از حالت ایستا به حالت پویا تغییر دهد.

9- اهل امر به معروف و نهی از منکر بودن

نیروی مطلوب اسلامی، نیرویی است که خواستار تحقق نیکی ها و زایل شدن بدی ها در جامعه است و برای آن برنامه ریزی می کند. معروف و منکر، دایره وسیعی دارد؛ و یکی از اهداف نهضت ابا عبد الله الحسین (ع)، همین امر به معرف و نهی از منکر بوده است.

10- مشتاق و داوطلب بودن

کارگزار مطلوب اسلامی، مشتاقانه، آگاهانه، داوطلبانه، با انگیزی مقدس و بر اساس برنامه ای مشخص، کارها را پیش می برد. نیروی مطلوب انسانی و اسلامی، نیروی بخشنامه ای و یا نیروی حقوق بگیر و مزدبگیر رایج و متعارف نیست. نه اینکه حقوق بگیرد و یا به بخشنامه عمل نکند، بلکه به مسئولیتش به عنوان کار و کاسبی نگاه نمی کند؛ زیرا معتقد است که زندگی خواهد گذشت، اما آنچه اهمیت دارد، ادای تکلیف است.

11- تکلیف گرایی (وظیفه گرا بودن)

نیروی مطلوب اسلامی نمی گوید «چقدر به من حقوق می دهند، یا موقعیت اجتماعی ام چگونه می شود»، بلکه بر آن است که تا چه میزانی می تواند تحول ایجاد کند، و آنچه برای او اهمیت دارد، این است که چقدر می تواند برای اسلام مفید باشد. دنبال کار، شغل و موقعیت نیست، بلکه به فکر اسلام عزیز است؛ و دنیاگرا نیست، بلکه آخرت گرا است.

وظایف حاکمان و کارگزاران

با توجه به فلسفه تشکیل حکومت اسلامی و نیز وظایف حاکم اسلامی، امام علی (ع) در فراز آغازین عهدنامه مالک اشتر، وظایف مهم او را برمی شمارد.

1- جمع آوری مالیات ها

حاکم برای اداره حکومت و جامعه و نیز تأمین نیازمندی های عمومی جامعه، به بودجه نیاز دارد. یکی از بهترین راه های تأمین بودجه، دریافت مالیات ها است. ازاین رو، امام علی (ع) اولین وظیفه حاکم را جمع آوری مالیات ها می داند و مالک اشتر را به جمع آوری آن امر می کند: این فرمان بنده خدا، علی -امیر مؤمنان- به مالک اشتر -پسر حارث- است در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد. (نهج البلاغه: نامه 53)

2- جهاد با دشمنان

دشمنان دین همواره در کمینند تا در هر فرصتی بر پیکره حکومت اسلامی ضربه وارد و آن را ناتوان کنند. از این رو، همه مردم باید هوشیار باشند؛ و در این میان، حاکم و کارگزاران، نقش و مسئولیت سنگین تری دارند، چرا که آنان در حکم دیده بان هستند و حقایق و واقعیات را ازم افقی برتر می بینند، پس باید همواره کوچک ترین حرکت دشمن را ببینند و مردم را نیز آگاه کنند تا خود را در مقابله با دشمن آماده سازند. ازاین رو است که امام علی (ع) می فرماید: این فرمان بنده خدا، علی-امیر مؤمنان- به مالک اشتر-پسر حارث است در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی گزیند. . . تا با دشمنانش نبرد کند. (نهج البلاغه: نامه 53)

3- گسترش عدالت

در اسلام، ظلم به دیگران مذموم است و همگان به رعایت حقوق همدیگر و رفتار عادلانه موظفند. امیر المؤمنین (ع) می فرماید: به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان ها است، به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم، در پوست جوی که ناروا از مورچه ای بگیرم، چنین نخواهم کرد. (نهج البلاغه: خطبه 224)

4- اصلاحات

حاکم باید با ارشاد مردم و فراهم ساختن زمینه های تعلیم و تربیت و نیز مبارزه با انحرافات، شرایط اصلاحات را فراهم کند؛ با نظارت دقیق بر کار کارگزاران، هرگونه انحرافی را از بین ببرد و به اصلاح امور بپردازد. ازاین رو، حضرت علی (ع) در آغاز عهدنامه مالک اشتر، به این مهم اشاره می کنند و می فرمایند: این فرمان. . . هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می گزیند. . . تا کار مردم را اصلاح کند. (نهج البلاغه: نامه 53)

5- عمران و آبادانی شهرها

امیر المؤمنین (ع) در ابتدای نامه خود به مالک اشتر (والی مصر) می فرماید: . . . تا شهرهای مصر را آباد سازد. در فرازی از این نامه، توجه تام و کامل به عمران و آبادانی را گوشزد می کند و پیامد اجرا یا ترک این مهم را بیان می دارند: باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیش از جمع آوری خراج باشد. خراج جز با آبادانی فراهم نمی شود؛ و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می کند و حکومتش جز اندک مدتی دوام نمی آورد. . . ؛ زیرا عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می کند. همانا ویرانی زمین به خاطر تنگدستی کشاورزان است، و تنگدستی کشاورزان به خاطر غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی گیرند. (نهج البلاغه: نامه 53)

6- مردم داری

امیر المؤمنین (ع) در نامه 53 به مالک اشتر می فرماید: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی! زیرا مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو اند، و دسته ای دیگر همانند تو در آفرینش. اگر گناهی از آنان سر می زند یا علت هایی بر آنان عارض می شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می شوند، آنان را ببخش و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را بیخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر هستی و امام تو از تو برتر است و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاترست.

آسیب شناسی رفتار کارگزاران

یکی از کارهای مهم و اساسی، شناخت آسیب ها و راه های رفع آنها است؛ و اینک، به برخی از آسیب ها و راه های مقابله با آن ها:

1- روحیه تکبر و استبدادگری

حضرت علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، خطاب به این مدیر باتقوا و متعهد می فرماید: به مردم نگو به من فرمان داده اند و من نیز فرمان می دهم، پس باید اطلاعات شود؛ که این گونه خود بزرگ بینی، دل را فاسد و دین را پژمرده می کند و موجب زوال نعمت ها است. (نهج البلاغه: نامه 53) بنابراین، حاکم اسلامی باید از هر نوع غرورزدگی، خودمحوری و خودبزرگ بینی به دور

باشد.

2- روحیه خون ریزی به ناحق

آن حضرت (ع) خطاب به ملک اشتر می فرمایند: از خون ریزی بپرهیز و از خون ناحق پروا کن، که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی کند و نابودی نعمت ها را سرعت نمی بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی گرداند. . . پس با ریختن خون حرام، حکومت خود را تقویت مکن، زیرا خون ناحق پایه های حکومت را سست و پست می کند و بنیاد آن را برمی کند و به دیگری منتقل می سازد، و تو نه در نزد من و نه در پیشگاه خداوند، عذری در خون ناحق نخواهی داشت، چرا که کیفر آن قصاص است و از آن گریزی نیست. (نهج البلاغه: نامه 53)

3- عدم دسترسی مردم به حاکمان

حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر می فرمایند: هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه ای از تنگ خویی و کم اطلاعی در امور جامعه است. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، بازمی دارد؛ پس کار بزرگ اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می کند، زیبا زشت، و زشت زیبا می نماید و باطل به لباس حق درمی آید. همانها زمامدار آنچه را که مردم از او پوشیده دارند، نمی داند، و حق را نیز نشانه ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود. آن حضرت راه درمان این مشکل را «در میان مردم بودن و با آنان همراهی کردن» می داند. بنابراین، با رعایت اصل «عدم احتجاب»، رابطه حاکم و مردم اصلاح می شود. (نهج البلاغه: نامه 53)

4- فراموش کردن محرومان و مستضعفان و کم توجهی به آنان

حضرت در عهدنامه مالک اشتر می فرمایند: سپس خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه؛ آنان که هیچ چاره ای ندارند، و عبارتند از زمینگیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه محروم، گروهی خوبستن داری می کنند و گروهی به گدایی دست نیاز برمی دارند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت المال، و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا بری دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان، سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن هستی. مبدا سرمستی حکومت، تو را از رسیدگی به آنان بازدارد، که انجام کارهای فراوان و مهم هرگز عذری برای ترک مسئولیت های کوچک تر نخواهد بود. (نهج البلاغه: نامه 53)

5- زیاده خواهی از بیت المال و نادیده گرفتن عدالت

از دیگر آسیب های که حاکمان و کارگزاران را تهدید می کند، زیاده خواهی از بیت المال و نادیده گرفتن عدالت است. اموال عمومی به اقسام گوناگونی تقسیم می شوند، مانند مشترکات عمومی، مباحات اولیه، مجهول المالک و درآمدهای عمومی. ولی مقصود از «بیت المال» در اینجا، اموالی است که اختیار هزینه کردن آنها، به دست امام است، مانند غنایم جنگی، خراج، جزیه، زکات، صدقات عامه و اوقات عمومی. (نهج البلاغه: خطبه 224)

کنترل و نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران

کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه، از دیرباز یکی از اصول مدیریتی به شمار می رود که نبود یا کم رنگ بودن آن، مدیریت را دچار مشکل می کند. اصل کنترل و نظارت، با نظام آفرینش هماهنگ است؛ چرا که آفریدگار حکیم اصل کنترل و نظارت را در مجموعه آفرینش منظور کرده و درباره انسان فرموده است: *إن کل نفس لفا علیها حافظ؛ فلینظر الإنسان مم خلق.* (طارق، 86/4-5)

1- رسیدگی به وضع معیشتی کارمندان و کارگزاران

سیاست مالی علی (ع) در قبال کارمندان دولتی، دو وجه دارد: مخاطب یک وجه آن، مدیران ارشد نظامند و مخاطب وجه دیگر آن ، ما بقی کارمندان دولت. امام علی (ع) در تأمین حقوق کارمندان و تلاش جهت بهبود وضعیت معیشتی آنان، به مالک اشتر می فرمایند: سپس روزی فراوان بر آنان (کارمندان) ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بیشتر می کوشند، و با بی نیازی، به اموال بیت المال دست نمی زنند؛ و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند. (نهج البلاغه: نامه 53)

اما سیاست علی (ع) در قبال مدیران ارشد نظام چنین بوده است: خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند. (نهج البلاغه: خطبه 209) بنابراین، رسیدگی به وضع معیشتی کارگزاران، در درجه نخست اهمیت است. (بابازاده، 1379: 33)

2- کنترل و بازرسی مستقیم و آشکار در امور کارمندان

امام علی (ع)، هم خود شخصا بر امور جاری کشور پهناور اسلامی نظارت مستقیم داشتند و هم به کارگزاران و مدیران توصیه می کردند که بر کارها نظارت مستقیم داشته باشند؛ چنان که آن حضرت به مالک بن کعب ارحبی، والی «عین التمر» طی حکمی مأموریت داد که با مأموران تحت امر خود، منطقه وسیعی را بازرسی کند؛ اما بعد؛ کسی را به جانشینی خویش بگمارد، و با گروهی از همکاران به سوی منطقه «کوره السواد» حرکت کن و عملکرد کارگزاران را از «دجله» و «غریب» تا «بهقبادات» بررسی کن و حساب و کتاب آنها را به طور دقیق به انجام رسان. در این مأموریت که خدا به تو سپرده، به فرمان و باش و بدان که اعمال آدمیزاد برای خودش محفوظ لاسست و در ازای آن پاداش می گیرد. بنابراین، راستی و نیکی را پیشه کن، که خدا با ما و شما به نیکی رفتار کند، و در مأموریتی که به انجام می رسانی، راستی و درستی ات را به ما نشان بده، و السلام. (محمدی ری شهری، 1375: 1/21، ماده «الأمانة»)

3- به کارگیری نیروهای اطلاعاتی و بازرسان مخفی

امام (ع) به «نظارت پنهانی» نیز سخت معتقد بود و آن را برای اصلاح امور بسیار کارساز می دانست؛ زیرا کارگزاران اگر می توانستند از دید بازرسان آشکار مخفی شوند یا با ظاهرسازی آنان را بفریبند و یا احیانا با آنان از در آشتی و سازش درآیند و به لطایف الحیل ایشان را از گزارش های صحیحی که به زیان آنان است، بازدارند، از بازرسی و گزارش بازرسان پنهان بیمناک بودند و یا این بازرسان از چنین آسیب های در امان بودند.

امام (ع) به قثم بن عباس (والی مکه) می نویسد: همانا مأمور اطلاعاتی من در شام به من اطلاع داده است که گروهی از مردم شام برای مراسم حج به مکه می آیند؛ مردمی کوردل، گوش هاشان در شنیدن حق ناشنوا، و دیده هاشان نابینا، که حق را از ره باطل می جویند، و بنده را در نافرمانی از خدایمان می برند، دین خود را به دنیا می فروشند و دنیا را به بهای سرای جاودانه نیکان و پرهیزگاران می خرند، درحالی که در نیکی ها، انجام دهنده آن پاداش گیرد، و در بدی ها جز بدکار کیفر نشود. پس از اداره امور خود، هشیارانه و سرسختانه استوار باش و نصیحت دهنده ای عاقل، پیرو حکومت و فرمانبردار امام خود باش. مبدا کاری انجام دهی که به عذرخواهی روی آوری! نه به هنگام نعمت ها شادمان باش و نه به گاه مشکلات، سست. (نهج البلاغه: نامه 33)

4- توجه به گزارش های مردمی و اعتماد به آنان

علاوه بر بازرسی های دقیق و نظام یافته که نیروهای رسمی حکومت انجام می دادند، امام (ع) از مجراهای متعدد دیگر نیز از عملکرد کارگزاران خویش آگاه می شدند؛ که مهم ترین آنها ارتباطات قوی مردمی بود. اگر مردم از مسئولان منطقه ای ناراضی بودند یا مشکلات خاصی برایشان بروز می کرد که به دست آنان گشوده نمی شد، به طور مستقیم، حضوری یا مکاتبه ای، با امام (ع) تماس می گرفتند و از او مدد می جستند. امام (ع) نیز به افکار عمومی و خواست به حق مردم ارزش می نهاد و به آنها ترتیب اثر می داد. (بابازاده، 1379: 248-249)

آیین تشویق ها و تنبیهات کارگزاران

1- مدیریت صحیح

یکی از راه های اعمال مدیریت صحیح این است که بین افراد نیکوکار و بدکار فرق گذاشته شود. در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، به این موضوع اشاره شده است: هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی رغبت و بدکاران به بدکاری تشویق می شوند. پس هرکدام از آنان را براساس کردارشان پاداش ده. (نهج البلاغه: نامه 53) بنابراین، حاکم اسلامی باید بین کارگزار خوب و بد تفاوت قائل شود و با هرکدام از آنها به شکلی مناسب برخورد کند. (رحمانی، 1382: 36)

2- واگذاری مسئولیت براساس توانایی ها

آن عده از یاران حضرت (ع) که کاملا مورد اعتماد بودند و به لحاظ توانایی های فکری و اجرایی، در حد بالایی قرار داشتند، به سمت استانداری مناطق حساس و بزرگ منصوب می شدند و حضرت تقریبا همه اختیارات خویش را به عنوان ولی امر مسلمانان در آن مناطق به ایشان تفویض می کردند و از این رو، کلیه امور مربوط به نظام اداری، قضایی، اقتصادی، ارتش و حتی بیان مسائل دینی، در اختیار ایشان بود. افرادی همچون قیس بن سعد، محمد بن ابی بکر و مالک اشتر در مصر، و عثمان بن حنیف و ابن عباس در بصره چنین اختیاراتی داشتند. سایر کارگزاران براساس مور محوله، اختیارات کمتری داشتند. حتی گاهی برای کمک به استاندار یک منطقه، آن حضرت (ع) قاضی، فرمانده ارتش و مأمور جمع آوری مالیات را جداگانه نصب می کردند. (رحمانی،

3- راه های پیش گیری از وقوع خلاف

امیر مؤمنان علی (ع)، همه تلاش خویش را به کار می گرفت تا براساس اصل مهم رعایت «اهلیت یا شایسته سالاری»، کارگزاران شایسته ای را بر انجام امور بگمارد؛ افرادی همچون عمار یاسر، مالک اشتر نخعی، محمد بن ابی بکر و کمیل بن زیاد که نه تنها افرادی لایق و کارآمد بودند، بلکه از نظر تقوا و صفات عالی انسانی، سرآمد مردان روزگار خویش بودند. بنابراین، کسانی باید برای تصدی امور جامعه انتخاب شوند که صلاحیت های اخلاقی و اجتماعی داشته باشند؛ فضایی همچون تقوا، اطاعت از خداوند، پیروی از قرآن و سنن الهی، یاری رسانی به دین خدا با دست و زبان و قلب، کشتن هواها و شهوات نفسانی، داشت حیا، از خاندان پاک دامن و صالح و اهل راستی و صفا بودن.

4- عزل کارگزاران نالایق

سیاست حضرت علی (ع) در برابر کارگزارانش، سیاست پیشگیری از جرم است. از این رو، آن حضرت (ع) همه شرایط پیشگیری (گزینش، مشخص کردن وظایف، تأمین مالی و بازرسی دقیق) را به کار می گیرند. حال اگر با تمامی این شرایط، کسی تخلفی کرد، روشن است که دیگر هیچ بهانه ای برای برخورد نکردن با او وجود ندارد. (سرداری، 1382: 56)

راه های تقویت ویژگی های مثبت کارگزاران 1- تقوای الهی

حضرت علی (ع) بیش از هر چیز، زمامداران حکومتی را به رعایت تقوا دستور می دادند؛ مالک را به پرهیزگاری و انجام فرایض الهی سفارش می کردند (نهج البلاغه: نامه 95)، و دیگر کارگزاران را نیز به این مهم توصیه می کردند تا در آشکار و نهان از خدا بترسند و او را نافرمانی نکنند. (نهج البلاغه: خطبه 157) بنابراین، برای پیشگیری از آفت های احتمالی، لازم است کارگزاران دولت را پرهیزگار و درستکار تربیت کنند؛ چرا که زمامدار بی تقوا اسیر هوا و هوس، حرص و طمع، و خشم و شهوت است و چنین کسی فقط در پی تأمین نیازهای خود است. پس اولین شرط مدیر شایسته این است که تقوا داشته باشد تا خطا و اشتباهی از او سر نزند. (بابازاده، 1379: 452-455)

2- بی اعتنایی به دنیا

براساس تفکر امام علی (ع)، دل بستن به دنیا منشأ همه خطاها است. آن حضرت (ع) بی اعتنایی به دنیا را در گفتار و رفتار نشان می دهند و همگان را بدان توصیه می کنند: به خدا سوگند که این دنیای شما در نظر من از استخوان خوکی در دست شخصی جذامی که هیچ کس میلی به آن ندارد، پست تر و کم ارزش تر است. (نهج البلاغه: حکمت 236) دنیای شما نزد من بی ارزش تر از برگ جویده ای است که در دهان ملخ باشد. (نهج البلاغه: خطبه 224)

اگر زمامدار به دنیا دل بسته و به مادیات چشم دوخته باشد، قدرت و ریاست را وسیله رسیدن به آن قرار می دهد و در این راه، هر جنایتی را مرتکب می شود. آن حضرت (ع) مکرر همه مردم، به خصوص کارمندان نظام اسلامی را به زهد و دل نبستن به دنیا دستور می دادند و می فرمودند: از دنیا بپرهیزید؛ زیرا دنیا در حقیقت، دام شیطان است. (نهج البلاغه: خطبه 224)

3- توجه به نتایج اعمال

بر اساس فرمان ها و توصیه های امام علی (ع) به زمامداران، توجه به نتایج اعمال، عامل مهمی در مهار و تنظیم رفتار فرمانروایان است. آن حضرت (ع) در این زمینه می فرمایند: ای بندگان خدا، خداوند در روز قیامت از اعمال کوچک، بزرگ، آشکار و پنهان شما سؤال می کند. (نهج البلاغه: نامه 27) یعنی هر کاری در دنیا انجام دهید، در آخرت درباره آن سؤال می شود. به همین دلیل است که آن حضرت (ع) به مردم هشدار می دهند:

بپرهیزید از روزی که همه اعمال شما در آن آشکار می شود. (نهج البلاغه: خطبه 157)

4- مشورت با علما

هرکه با افراد کاردان مشورت کند، با خرد و اندیشه آنان شریک شود (نهج البلاغه: حکمت 152) و هرکه به افکار و نظرهای دیگران مراجعه کند، موارد خطا و اشتباه را می شناسد. (نهج البلاغه: حکمت 164) در نتیجه، کار را درست انجام می دهند. بر این اساس، مشاوره و تبادل نظر زمامداران با دانشمندان و علما از بسیاری آفت های سیاسی و خطاهای احتمالی جلوگیری می کند. (بابازاده، 1379: 91)

نتیجه گیری

دقت ها و حساسیت هایی که حضرت علی (ع) در انتخاب کارگزاران و سپس نظارت بر عملکرد آنان به خرج می دادند، حاکی از آن

است که اعطای مسئولیت به افراد نالایق و یا واگذاری آنان -حتی صالح و متعهد- به حال خود و عدم نظارت بر آنان، نتیجه ای جز فروپاشی و زوال تدریجی حکومت را در پی نخواهد داشت. اگر آن حضرت (ع) در برابر بی عدالتی ها، جاه طلبی ها، ثروت اندوزی ها و ستمکاری های بعضی از کارگزاران خود عکس العمل شدید نشان می دهد، به خاطر آن است که می داند بی توجهی به این مسائل، برافروختن آتشی است که در درجه اول دامن خود کارگزاران و در نهایت حکومت را فراخواهد گرفت. پس باید نتیجه گرفت که رفتار و عملکرد کارگزاران، تأثیر مستقیمی بر ثبات نظام های سیاسی دارد.

مسئله رعایت تقوا و ترس از خدا و توجه به آخرت، در تمامی نامه ها و عهدنامه های امام علی (ع) به کارگزاران ملاحظه می شود. دقت آن حضرت (ع) در رعایت حال مردم و حفظ شخصیت آنان و پرهیز از زورگویی و تهدیدشان به این سبک در سایر رهبران دیده نمی شود. در اندیشه سیاسی حضرت علی (ع)، کسانی که از امکانات و اموال و اختیارات حکومتی بهره مند می شوند، باید صفات و ویژگی هایی داشته باشند که بتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند، چرا که در غیر این صورت به تباهی امور و سقوط حکومت منجر می شود. امام علی (ع) در عزل و نصب های خود هیچ گاه مسئله رفاقت و خویشاوندی را مدنظر قرار نمی دادند و روش سیاستمداران دنیاپرست را که تنها در راستای بقای حکومت خود عمل می کردند، نداشتند، بلکه تنها به رضای خدا می اندیشیدند و مصلحت مردم را در نظر داشتند. در اندیشه سیاسی آن حضرت (ع)، هیچ خطری برای جامعه اسلام می بیشتر از خطر بر سر کارآمدن افراد فاقد اهلیت و کم صلاحیت نیست. حضرت علی (ع) بیم داشتند که افراد ناصالح و نالایق زمام امور مملکت را به دست گیرند و جامعه را به سمت تباهی و سقوط بکشانند.

امیر المؤمنین علی (ع) در سخنان خود مکرر به مسئله سلامت اخلاقی و دینی و سیاسی کارگزاران حکومتی توجه کرده و درباره آن هشدار جدی داده اند. از نامه امام (ع) به زیاد بن ابیه هنگامی که او را جانشین عبد الله بن عباس در استان فارس کرد، برمی آید که تعدی و تخلف کارگزاران همواره از عوامل مهم قیام و مبارزه مسلحانه مردم علیه حکومت ها و تغییر نظام سیاسی مستقر است. ایشان در این زمینه می فرمایند: استعمل العدل و احذر العسف و الحیف فان العسف يعود بالجلاء و الحیف يدعو الى السیف. (نهج البلاغه: حکمت 468)

نتیجه آنکه اگر مجموعه ویژگی ها و بایستگی هایی که حضرت در مورد کارگزاران خود بر آنها تأکید کرده اند، در حکومتی مجتمع باشد و از طرفی نظارت مستمر جهت تداوم حسن سلوک و تعامل مطلوب با مردم حاکم باشد، یقیناً می توان به اقامه عدل و قسط در جامعه امیدوار بود. بدیهی است که تنها در این صورت است که مردم به این گونه نظام ها روی می آورند و تداوم آن را می خواهند، وگرنه دیری نمی پاید که پایه های نظام حاکم از درون سست و متلاشی و زمینه های زوال و فروپاشی آن فراهم می شود؛ چه، اگر در جامعه ای عدالت اجتماعی برقرار نشود، آن حکومت محکوم به سقوط است و در این مسئله، هیچ تردیدی نیست. کارگزارانی که بتوانند تمدن سازی کنند و در حوزه عمل کارگزار دولت اسلامی باشند، باید ویژگی های ذیل را داشته باشند:

1) از لحاظ بینش و تفکر باید از عمق جان به خدا، پیغمبر (ص)، و روز جزا معتقد باشند؛ پشتوانه ای که متضمن مطالعه ای عمیق باشد، به گونه ای که ایمان از آن بجوشد.

2) انتخاب مدیران و کارگزاران باید براساس ملاک و معیار صحیح و مناسب صورت پذیرد. اهل تجربه بودن، نجابت داشتن، از خانواده ای ریشه دار و شایسته و از پیشتازان در پذیرش اسلام بودن، برتری اخلاقی، آبرومندی، حرص و طمع مادی کمتر داشتن، فرجام نگر بودن، خیرخواه خدا، پیامبر و امام بودن، پاک دامن ترین و بردبارترین افراد، اهل صداقت، وفاداری و جامع اخلاق نیکو بودن، از جمله ملاک ها و معیارهای انتخاب مدیران و کارگزاران است که باید به آنها توجه شود.

3) تربیت اسلامی داشته باشند؛ یعنی در مقابل شهوت، پول، قدرت و شهرت، توان ایستادگی داشته باشند و دست و پا و دل آنها در کوران حوادث و آزمایش نلغزد و دچار وسوسه نشوند.

4) در طول مدت مدیریت و قبول مسئولیت، ممکن است انحرافات در مدیران و یا بدنه حکومت ایجاد شود. حاکم اسلامی باید همواره مراقب مدیران و کارگزاران حکومت باشد و زمینه انحراف را با شیوه های گوناگون از بین ببرد؛ و این مهم انجام نمی شود، مگر با نظارت دقیق.

5) بینش اسلامی -اجتماعی بالایی داشته باشند، به گونه ای که بتوانند شرایط منطقه و جهان و اسلام را تحلیل کنند. نه اینکه مسائل را صرفاً از طریق مطبوعات تحلیل کنند. باید رأساً قوای فکری داشته باشند تا معادلات را بشناسند.

6) قدرت مدیریت و رهبری داشته باشند تا بتوانند مجموعه ای را پشت سر خط خود به حرکت و تحول رهنمون شوند.

7) نظارت و بازرسی باید به کمک بازرسان آشکار و پنهان (چه کارمند رسمی سازمان بازرسی و نظارت و چه کارمند معمولی) و با

نظارت فراگیر مردمی انجام پذیرد.

8) متخصص باشند.

منابع

قرآن.

ابن طباطبا (ابن طقطقی)، محمد بن علی (1360). تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
بابازاده، علی اکبر (1379). سیمای حکومتی امام علی (ع)، قم: انصاریان.

پیروز، علی آقا؛ خدمتی، ابو طالب؛ شفیعی عباس؛ بهشتی نژاد، سید محمود (1385). مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حسینی اصفه‌این، سید مرتضی (1384). کارگزاران شایسته در اسلام، قم: فرهنگ قرآن.

رحمانی، جعفر (1382). پرورش نیروی انسانی در حکومت علوی، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.

سرداری، احمد (1382). آسیب شناسی رفتار کارگزاران در حکومت علوی، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.

سرمد، محمد رضا (1386). مدیریت اسلامی، تهران: پیام نور.

طبرسی، فضل بن حسن (1406 ق). مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.

کلینی، محمد بن یعقوب (1388 ق). اصول الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه.

محمدی ری شهری، محمد (1375). میزان الحکمة، قم: دار الحدیث.

مجلسی، محمد باقر (1402 ق). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

موسی زاده، سید محمد (1382). بررسی ویژگی های شخصیتی مدیران در سیره علوی، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.

ناظم بکایی، محسن (1382). فقر از دیدگاه علی (ع)، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران: دانشگاه شاهد.

نهج البلاغه (1380). ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.

وائقی، قاسم (1380). اخلاق در مدیریت، تهران: سازمان تبلیغ اسلامی.